

بقلم : هارگریوز (۱)
ترجمه ع . م . عامری

دامستان دید و بازدید امپراطور روس

در سال ۱۹۰۱

دیپلماتها بحسب وظیفه و بنا برغرور و نخوت سفیها نه ای که دارند بشکل و هیأت ظاهر اعتناء تام ابراز میکنند . دید و بازدید های سران کشور ها که هنوز هم بعنوان اعلام دوستی بین دول مرسوم است اندک مدتی قبل از جنگ ۱۹۱۴ یعنی در دوره حقه بازی و دسته بندیهای سیاسی شدت رواج داشت . اینگونه ملاقاتها از چند جهت مهم واقع میشد ، مثلاً گاهی دنیا را متوجه بهبود روابط بین دو دولت میکرد ، زمانی فرصت صحنه سازیهای رسمی و عمومی بدست میداد و مواردی هم پیش میآمد که در پایان تشریفات مذاکرات سیاسی صورت میگرفت و پیمانهای منعقد میگشت . نمونه بارز اینگونه دید و بازدید ها همان است که در سال ۱۹۰۳ بین ادوارد هفتم پادشاه بریتانیا و مسیولوبه (۲) رئیس جمهور فرانسه صورت پذیرفت . عجب آنکه گاهی موضوع ایجاد دوستی بین دو دولت تحت الشعاع ظواهر پذیرائی قرار میگرفت و دور از نظر پادشاهان که بخوش روئی و خوش زبانی و فروتنی با مردم رفتار میکردند مؤرخ بنزاعهایی برمیخورد که بین رجال بر سر موضوعات کوچک از قبیل بالادستی و پایین دستی اتفاق میافتاده و تشریفات رسمی را بصورتی مضحک درمیآورده است .

در ۱۹۰۱ فرانسه جمهوری با روسیه تزاری اتحاد داشت و اگرچه این اتحاد « ناجور » مینمود برای طرفین ضروری بود . دلکسه وزیر خارجه فرانسه مردی کافی و درست کار اما خرد نگرش و نزدیک بین بود و ازاینکه در مقام سنجش روسیه را برتر میدید هیچزید و دو سال تمام کوشید تا تعادلی برقرار کرد . مردی کنده دماغ چون دلکسه هرگز راضی نمیشد که اقداماتش از نظر مردم پنهان بماند و نتایج کار خویش را برخ هموطنان نکشد . در ماه مه ۱۹۰۱ که تازه از سفر سن پترزبورگ بازگشته بود متوجه شد که نه تنها سیاست او پسند خاطر حزب ملیون فرانسه واقع نشده بلکه سخت مورد



نیکلای دوم - تزار روس

انتقاد گشته است چه اعضای حزب بدو نشان بو برده بودند که روسیه با آلمان بمغازله سیاسی مشغول است . سفیر روسیه در آلمان در سان سیاه که ویلهلم دوم با احترام روز تولد تزار در شهر مس که آنرا فرانسویان پر شور متعصب ملک طلق خویش میدانستند شرکت کرد و این بر مردم فرانسه ناگوار آمد . اندکی پس ازین تزار بدعوت ویلهلم

امپراطور آلمان در تمرینات و نمایشهای جنگی نیروی دریائی که قرار بود تابستان در شهر دانزیک اجرا شود حضور یافت و ملتفت نبود که قبول دعوت خویش (۱) مایهٔ رنجش دولت متحد میشود. دلکاسه در نامهٔ خطاب با امپراطور اشاره کرد که دوست متحد هم انتظاراتی دارد و اظهار مرحمت نباید بقوم و خویش منحصر گردد. عبارت مکتوب اندک تند و زننده بود. تزار متغیر شد که چرا فرانسه باید تکلیف تعطیل تابستان او را معلوم سازد. شش هفته مدت گرفت تادلکاسه باز تزار را بر سر مهر آورد. سرانجام امپراطور و امپراطریس در آغاز اوت موافقت کردند که در سان تابستانی نیروی بری و بحری فرانسه حضور بهم رسانند. دلکاسه بقصد فتنه اندازی و فساد اندوزی وعدهٔ تزار را بآب و تاب بگوش آلمانیان رساند و فتح و فیروزی خویش را بسفرای فرانسه در پایتخت‌های اروپا حکایت کرد و خاطر نشان ایشان ساخت که درین راه مصدر چه خدمات گرانبھائی گشته است.

این پیروزی سیاسی سودمند افتاد و در مردم فرانسه اثر نیکو بخشید. اکنون وقت آن فرارسیده که ترتیباتی برای ورود مهمانان ارجمند داده شود که خوش جلوه کند و تزار از سفر خشنود باز گردد. ولدیک - روسو (۲) نخست وزیر دچار محمصه‌ای عجیب شد. این دولت را حزب جمهوریخواه بر سر کار آورده بود تا غائلهٔ دریفوس را فیصله بخشد الحال چنان پیش آمده که باید رسماً از پادشاهی مستبد پذیرائی کند. غالب نظامیان و روحانیان با دعوت تزار بتماشای سان مخالفت میورزیدند. درین هنگام مشکلی دیگر هم سربار شد. دوتن از وزرای روس اشاره کردند که درین سفر باید درجهٔ سرهنگی افتخاری فوج بومی الجزائر با امپراطور اعطا گردد همچنانکه آلمان و اطریش کرده‌اند. اعطای درجهٔ سرهنگی افتخاری در حکومت جمهوری بکلی بی سابقه بود با این حال نظامیان و حزب ملیون با این پیشنهاد بیشتر از جمهوریخواهان نظر موافق نشان دادند. عاقبت سفیر فرانسه بدین بهانه که این فوج همان است که در جنگ کریمه فاتح شده و بر بیرقها یادگار آن فیروزی نقش است از تنگنای رها یافت. علاقهٔ تزار بزیارت کلیسای رنس بر بیچ و تاب امور افزود. اسقف اعظم حاضر نشد که متن خطابهٔ رسمی را

۱- مقصود قرابت سببی بین دو خاندان رومانوف و هوئلرن است. ۲- Waldeck - Rousseau

که با احترام مهمانان ذیجاء باید ایراد کند بنظر دولتیان برساند. از ترس اینکه مبادا اسقف از دست حکومت که درین ایام با روحانیان نظر خوش نداشت بنالد و از تزار استمداد کند بمجمله نقشه زیارت کلیسا را از جنبه رسمی بصورت عادی تنظیم کردند و چنانکه سفیر انگلیس مرقوم داشته « هنگام ادای خطابه تهنیت تبریک ورود، آواز اسقف از همه و بانگ موزیک نظامی فرو ماند و از کلماتش چیزی مفهوم نگشت ».

با آنکه بنای حکومت جمهوریخواهان بر سادگی و صرفه جوئی در مخارج نهاده شده بود وزراء درین موقع حاضر شدند حدّ میان را اختیار کنند. وقتی دلکاسیه شنید که تزار مایل است در عمارت شهرداری رنس توقف کند و حشت زده شد: قصر کومپین را که از زمان ناپلئون سوم تا این تاریخ متروک افتاده بود برای پذیرائی امپراطور آماده کردند و تمام نگارخانه های دولتی را زیر و رو ساختند تا مقدراری تصاویر و نقوش زیبا و فراخور مقام میهمان عالیجاء بدست آوردند. برنامه آخرین روز سان و تمرینات نظامی را هم دو روز عقب انداختند که اگر تزار بر سبیل اتفاق دیر وارد شد ترتیبات بهم نخورد. در فرانسه کسانی بودند که بدشان نیامد قصد جان مهمان کنند. بنابراین ۴۸ هزار تن نظامی و پاسبان و غیره برای حفظ او بکارگماشته بودند و سعی فراوان بجاء آوردند که تزار پر در منظر نیاید. این تصمیم هزاران تماشائی را از دیدار مهمانان محروم ساخت. چندان جمعیت در شهر کومپین گرد آمده بود که خواربار کمیاب گشت. بگفته روزنامه تایمز یکنفر انگلیسی شب در حمامی خوابید و صبح سه پوند اجاره پرداخت.

مقدمات پذیرائی فراهم و صحنه ها چیده شد. روز هجدهم سپتامبر کشتی امپراطور بدو نکرک رسید. لوبه رئیس جمهور و همه وزیران بجز ژرف کابو که در پاريس بتنظیم امور مأمور بود، در کشتی با امپراطور و امپراطریس تبریک ورود گفتند، با اینکه دریا آشفته و بادی سخت وزان بود سان نیروی دریائی خوش بیابان رسید. تزار از دیدن سه زیر دریائی که از نخستین زیر دریائیهای عالم بود شاد گشت. جزر و مد دریا ورود تزار را بخشکی کمی بتأخیر انداخت. ناهار در ساحل صرف شد. حاضران در سر میز شادخوارها کردند و جهانیان بدقت بمطالعه مضمون کلماتی که درین هنگام مبادله شد مشغول گشتند. ساعت چهار بعد از ظهر هیأت مستقیم بقطار مخصوص رفت و عصر بکومپین

رسید. اهل دونکرك ازین که نتوانستند مهمانان را تماشا کنند دلخسته شدند. روز نوزدهم سپتامبر را تزار صرف تماشای آخرین تمرینات نظامیان و بازدید کلیسای رنس کرد. روز بعد هیچ از قصر بیرون نشد و بیدزرائیهای رسمی سرگرم بود. پسین بمهمانی مجاملی رفت. ترتیب انتخاب مدعوین بسیاری از سیاستمداران و اعیان پاریس رارنجانید. وزرای فرانسه بالمزدورف^(۱) وزیر خارجه روسیه مذاکره کردند که مطبوعات اخبار راجع بدید و بازدید را بآب و تاب درج کنند. بالاخره روز شنبه بیست و یکم سپتامبر سان سپاه صدوپنجاه هزار نفری فرانسه که سیصدتن آنها تازه از جنگ بکسورهای چین بازگشته بودند انجام یافت. ناهار رسمی در میدان سان صرف شد ساغر ها پر می و بسلامت یکدیگر خالی گشت. سپس قطار امپراطور رو بمرز آلمان نهاد چه امپراطور نمیخواست یکشنبه در میان متحد خداشناس سر کند.

نتیجه سیاسی این دعوت مدتی نخست وزیر فرانسه را در زحمت داشت. طرفداران چپ دولت و سوسیالیستهای مخالف بخود می بیچیدند که چرا فرانسه از پادشاهی که مظهر استبداد است پذیرائی کرد. چنین درافواه افتاد که میلان سوسیالیست سابق و وزیر تجارت وقت از شغل خویش دست خواهد کشید. اما او آسان تر از شهردار سوسیالیست ایالت نور^(۲) وجدان خویش را آرام ساخت. شهردار از قبول امر دولت سر باز زد و بهیچ وجه حاضر نشد شهر را آیین بندی کند و به بیرق بیاراید بلکه آشکار گفت اینگونه مراسم آن زمان اجرا خواهد شد که ملت روس سر از بند حکومت خود کار منفور بیرون کند. مخالفان راست از جهات دیگر از دولت ناخشنود بودند. انجمن شهر پاریس که اعضایش همه از حزب ملیون بودند مستقیم از تزار خواهش کردند که از شهر پاریس رسماً دیدن کند. باین کار انجمن میخواست بر حیثیت خویش بیفزاید و ضمناً سنگ درموزه دولت بگذارد. چون قبول دعوت اهاات بهیات وزراء محسوب میشد تزار نپذیرفت. معذک انجمن مدتی با امید اینکه امپراطور از تصمیم نخستین بازگردد منتظر نشست و آرایش و یرایش شهر را بحال خود نگهداشت. عاقبت چون مایوس گشت بدولت تاخت آورد که چرا شهر پاریس را ازین فرصت کم نظیر محروم ساخته است. علاوه بر رنجش

چپ و راست دولت بیمناک بود که دو بیست سناتور وو کیل هم از احزاب مختلف که خواهان حضور در دونکرک بودند بجان دولت بیفتند. قایقهای بخاری کوچک که برای آنها تهیه شده بود قدرت مقاومت در برابر طوفان دریا نداشت. ناچار و کلاء را باقتضاح بر عرشه کشتی بخدمت میهمانان بزرگوار معرفی کردند.

درست است که این دید و بازدید بسقوط دولت منجر نشد اما موجب مشکلات داخلی فراوان گشت. از حیث مناسبات بین دو دولت هم فایده‌ای محسوس حاصل نیامد و پیشگویی گروهی هم که معتقد بودند دولت مبالغ هنگفت بروسیه قرض خواهد داد بحقیقت نپیوست. راست اینک هیچ چیز بر آنچه تا آن زمان دلکسه در راه اتحاد دولتین انجام داده بود افزوده نشد مگر آنکه فرانسه بیشتر رهن منت روس گشت و در شرق دور هم چنانکه می‌بایست نتوانست از پیشرفت روسیه جلو گیری کند. اینگونه تشریفات صوری در روابط بین الملل حائز اهمیت هست مشروط باینکه با حقایق خلط نگردد.



از کتاب قره‌العین ❀

کنیز هارون

هرون الرشید را کنیز کی بود حبشی «فایزه» نام، به حلیت ملاحظت و زیور فطنت معروف و موصوف. وقتی هرون الرشید در حال خلوت بطریق طیبیت با او گفت «اقلبی ظهرک الی»، یک زمان پشت خود بمن نمای. فایزه گفت «یا امیر المؤمنین ماسمعت قوله تعالی فأتوهن من حیث امرکم الله» با زنان خود برای روید که حق فرموده است. هرون گفت «ماسمعت قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم» نشنیده که می‌فرماید زنان شما کشت زار شما اند از آن راه که شمارا مراد باشد بروید. فایزه گفت «یا امیر المؤمنین هذه الایة منسوخة بقوله تعالی وأنوالالبیوت من ابوابها» فضحک الرشید و تعجب من حده ذکاها و زاد فی جیها واکرمها. هرون بخندید و آن قوت جواب او بیسندید و از آن کیاست طبع و لطافت خاطر او متعجب شد و در دوستی او بیفزود و در حق او تشریف گران مایه فرمود.

❀ کتابی است در امثال و حکم متضمن حکایات و اشعار. و این از نسخ خطی قدیمی است که استاد مینوی در استانبول عکس برداری فرموده است. مشخصات آن را دقیقاً بعداً خواهیم گفت.